



۴۹۰

جهان بینی مادی و جهان بینی الهی

(مصباح یزدی/سروش/طبری/نگهدار)

به نقل از : از " سروش " ، شماره ۱۰۴ ، ۲۰ تیر ۱۳۶۰



● بحث آزاد :

جهان بینی مادی و جهان بینی الهی
دیاکتیک و اصول آن

xalvat.com



شرکت کنندگان در بحث:

محمد تقی مصباح یزدی، از: حوزه علمیه قم
دکتر عبدالکریم سروش شرکت کننده منفرد
احسان طبری، از حزب توده ایران
فرخ نگهدار، از سازمان فدائیان خلق (اکثریت)

اولین جلسه

الکتروماتیکی و غیره که دارای آن مختصات نیستند، که فلسفه مادی دوره قرن هجدهم منبش بود، همچنین لنین گفت اختصار بکند به این مسئله که ماده فقط يك والیت خارجی است، قابل ادراک برای انسان بدلیه نه پیش از آن. ● مصباح - پس بهرحال فلسفه حق دارد درباره ماده تعریف بدهد.

● طبری - در آن شکی نیست، آقای مصباح فرمودند که دیاکتیک هم علم است هم فلسفه هست هم منطقی و این بطور می تواند در عین حال همه اینها باشند. دیاکتیک هم يك تئوری است و هم اسلوب. هم توصیف کننده جهان خارجی است و هم يك راهنمایی است برای اینکه ما بتوانیم جهان خارجی اعم از طبیعت و اجتماع و اعم از فکر یا عمل بشناسیم، نه اینکه دیاکتیک باصلاح طبیعتاً به سمت يك اسلوب فلسفی، تئوری فلسفی کمک می کند به علم پیش وارد می شود در اسلوب تفکر علمی و کمک می کند به علم نه اینکه خود آن در عین حال يك علم جداگانه محسوب بشود، بلکه جزو فلسفه است. فلسفه نتیجه گیری عمومی از علوم موجود است من این را قبلاً هم عرض کردم يك حرف جالب از انگلس هست. يك نقل قول از انگلس می کنم برای اینکه مورد قبول خودم هست، او می گوید از آنجایی که جهان وجود پریایان است و از آنجائیکه افق دید ما به عنوان يك انسان، به عنوان يك نسل محدود است. لذا مسئله وجود امر مفتوح است، امری نیست که ما بتوانیم حکم بکنیم که ما وجود را کشف کردیم تا آخر تمام شد و راست، حالا مثلاً فرض کنید در سطح تکامل فیزیکی روزی ما به مراحل از درک ماده رسیدیم که این مراحل حتی عینی بودن ماده را برای ما میسر نمی کنند، مثلاً با پیدا شدن کوارکها و سوکوارکها که زندگیشان يك میلیونیم ثانیه در برمی گیرد در مرز عدم و وجود زندگی می کنند قابل رویت نیستند با

از جناب آقای مصباح طرح شد. همچنین سؤالات از طرف جناب آقای دکتر سروش مطرح شد. بنابراین من سعی می کنم این مطالب را بدان پاسخ می دهم.
جناب آقای مصباح فرمودند که لنین می گوید ماده مقوله فلسفی است. اگر مقوله فلسفی است لذا فلسفه باید بدان پاسخ بدهد. پس چطور ما خواستار این هستیم علم آنرا پاسخ بدهد و مشخصات آنرا معین بکند. در حقیقت قضیه اینطوری است که لنین گفته ماده به مثابه مقوله فلسفی دارای قیلان تعریف است. اما به مثابه مقولات گوناگون می تواند مطرح بشود. مقوله علمی می تواند مطرح باشد که علم باید جهات مختلفه آنرا روشن بکند. و مقوله فلسفی ماده می تواند مطرح بشود. اتین هم خود مقوله فلسفی ماده را آنطوری که در برابر ایده آلیسم لازم بود بیان می کرده است.

● مصباح - خیلی معذرت می خواهم اگر ممکن است يك جمله می خواهم عرض کنم. این عرض بنده در مقابل فرمایش شما بود که فرمودید که لنین می گوید چون ماده باید علم در اطرافش بحث بکند و اثبات بکند حالت فلسفه بلفضولی است.

● طبری - در مختصاتش، در بیان مختصاتش.
● مصباح - بنده برداشتم این است که فلسفه اصلاً حق ندارد درباره ماده بحث بکند.

● طبری - درباره مختصات در قرن هجدهم يك عده فلاسفه ای پیدا شده بودند که می گفتند ماده دارای بنه، وزنه دارای شکل است که يك مقدار مختصات ذکر می کردند و این مختصات را هم تقسیم می کردند به اشکال مختلفه این مختصات طبیعتاً در اثر تکامل فیزیکی معاصر ثابت شد که به این ترتیب نمی شود مسئله را ساده کرد. فیزیکی معاصر اشکال مختلفه ای از ماده کشف کرد، مثل چنان، یا میدان

● مجری - برای شما ۲ دقیقه وقت باقی است.
● سروش - برای بعد بگذارید.

● مجری - آقای مصباح شما ۱۲ دقیقه کلاً اضافه وقتهایی که در دو دقیقه های قبل بوده باقی مانده، اگر سؤالی دارید بفرمائید، اگر صحبتی نیست سؤالات را بقیه آقایان جواب بدهند. این را خودتان انتخاب کنید.
● مصباح - آقایان، عرض کنم جواب بدهند که بیشتر به اصل مطلب برسیم، حال من فقط می خواهم از وقت استفاده کنم و وقت بگذارم، فکر نمی کنم کار درستی باشد.
● سروش - می بخشید ما می توانیم وقت را تقسیم کنیم، یعنی اگر در فرصت ایشان نقصانی افتاد اشکالی ندارد عرض این نیست که هر کسی درست به همان مقدار سخن بگوید، مقدار سخن به این، عرض این است که سخن روشن بشود.
● مجری - برای سؤالاتی که مطرح شده آقای

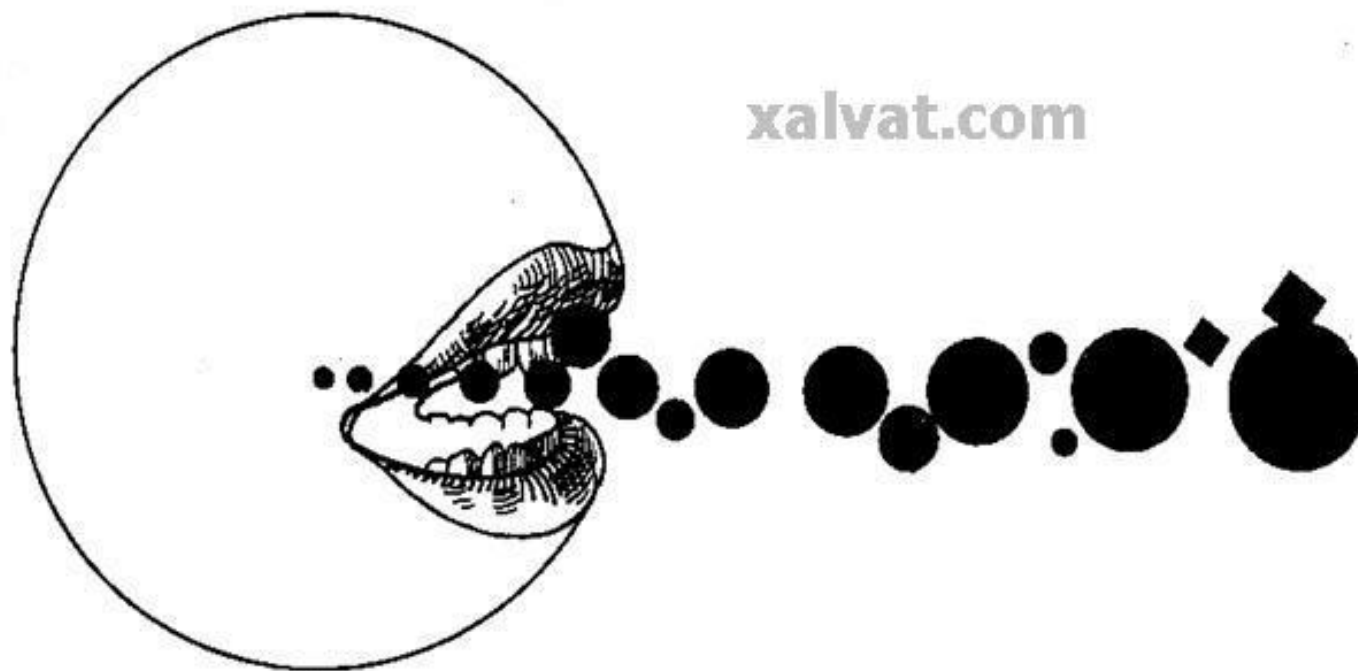
طبری....

● طبری - وقتی در اختیارم هست.

● مجری - خواهش می کنم.

● طبری - اولاً نفس طرح سؤوال راجع به این مسائل که ما این اسلوب را بهترین بهرحال يك گروهایی ممکن است در ذهن ما پدید بشود، در ضمن شنیدن بیانات طرف مقابل و این گروه باید گوشه بشود، براساس نظریات واقعی آن طرف مقابل. لذا باید پرسید تا گروه گوشه بشود، من تصور می کنم ناچار باید اصل سؤوال را بپذیریم. تجربه این بحث ضمناً يك چیز دیگر نشان داد و آن این است که بحث بهر جهت فلسفی است جنبه تجربی دارد. به استدلال و براهین فنی نیازمند است. و این همین دشواری بحث را تا حدود زیادی در چهارچوب بحث تلویزیونی بیشتر نشان می دهد. با این وجود که حال درس وارد هستیم تا آنجا که می توانیم انقدری که توانی بکوش. اینجا سؤالات مختلفی

xalvat.com



تغییر کمی و کیفی اصل تکامل از ماده به پرنیج، آنها را هم به مثابه نکات جداگانه‌ای ذکر کردند. این است که این سؤال از طرف آقای مصباح طرح شد. کار اصول را خراین جلود سه گانه باید دانست، یا آن را باپستی بیش از آنها دانست برای اینکه بخاطر اینکه اگر بخواهد پاسخی داده بشود، معلوم بشود حدورسم قعیه تا چه حدودی است حدود و ثنور درکجاست باید به آن جواب داده بشود. این مجموعه سئوالاتی است که آقای مصباح مطرح فرمودند، اما سئوالات بسیارجالی آقای دکتر سروش فرمودند اگر اجازه بدهید بگذاریم برای جلسه بعد و ما پاسخگو باشیم و دوستان پرسنده باشند، و اگر موقعی لازم باشد ما پرسنده باشیم، دوستان پاسخگو باشند. ولی ما چنین تعاملی نداریم که پرسنده باشیم و مراجعه کنیم به دوستان.

● مصباح - بنده دوست نداشتم درآخر عرض بفرمایید که به دوستان مراجعه کنیم، من توضیح دادم که مقصود ما از سؤال فقط برای این بود که نفاهم باشد، یکی دیگر سؤال کردم که این سه اصل است یا نه؟ يك اضافه‌ای هم داشت که آیا اینها کلیت دارند یا نه؟ واقعا اینها به عنوان اصول کلی مطرح میشد یا نه به عنوان يك پدیدار، يك قانونی یا بفرمایید يك تئوری که درباره بخشی از طبیعت وجود دارد.

اگر به معنای کلی است اتوقت این طور پدیده‌ها را چه جوری باید جواب داد که آب تبدیل به بخار می‌شود، دوباره بخار تبدیل به آب می‌شود، کدامشان تکامل است.

● طبری - عرض کنم درباره کلیت این قانون یا این اصول، البته ما معتقد به کلیتش هستیم دراین لحظه معین ولی من چنددقه عرض کردم تاریخ بشریت جوان است و معرفت انسانی درحال پیشرفت.

عرض کردم که افق دهرتسل محدود است و حال آنکه بقیه در صفحه ۷۴

هم بیمار هستیم، این است که ادامه بحث طولانی برای من يك کمی دشوار هست، اجازه بفرمایید بحث را در دوساعتی که تصمیم گرفته بودید ادامه بدهیم و ادامه آن را درجلسه دیگر.

● سروش - و تقریباً دوساعت شده، بیه.

● مجری - بیه، تقریباً دوساعت اگر پرسش‌هایی است که دراین وقت بیان بفرمایید، چون درمورد مسئله فساد....

● طبری - من باز هم به مطالبی که بیان فرمودند آقای مصباح، جواب عرض میکنم، مطالبی که آقای دکتر سروش فرمودند با اجازه شما میگذاریم برای يك جلسه دیگر. يك سؤال دیگر که آقای مصباح فرمودند، این است که آیا اصول دیالکتیک همین سه اصل است که گفته شده، اصل بااصطلاح تغییر اصل بااصطلاح ارتباط، واصل تضاد یا این که اصول دیگری هم هست. این حقیقت قعیه این است که دراینجا بحث‌های خیلی گوناگونی است آن را به اصول مختلفی تقسیم کردند. معمولاً، من تصور میکنم که همین سه اصل، را اصول اساسی بگیریم، برای خاطراینکه مسئله تغییر کمی و کیفی، تأثیری متقابل، مسئله تکامل از ساده به پرنیج اینها را همه را می‌شود دراصل حرکت و تغییر وارد کرد، یعنی اجزاء مختلفی هستند که میتوان درحرکت و تغییر دانست، اما سه اصلی را که مطلقاً میشود از همدیگر جداکرد عبارت خواهد بود از اصل ارتباط کل، اصل حرکت تغییر کل و اصل تضاد. این سه اصل را می‌شود از هم جداکرد، به همین جهت هم همین طور بیان کردم، دوست عزیز ما آقای نگهدار مسئله را با گسترش بیشتری بیان کردند، آن اجزای دیگری را که من شخصاً طبق سلیقه خودم می‌گنجانم دراصل تغییر، مثل تغییر کمی و کیفی که همه اینها مورد قبول است. (از طرف من مورد قبول است)

چشمهای غیر مسلح حتی با وسایل بااصطلاح تجسری و تحقیقی که در اختیار فیزیک معاصر هست. من میخواهم خیلی زیاد وارد امور فنی این مسائل بشویم یا این وجود اینها ما آنها را ادراک می‌کنیم از طریق ادراک ریاضی، از طریق ادراک منطقی آنها را ادراک نمی‌کنیم مستقیماً از طریق حس، انطور که جناب آقای سروش فرمودند که حتماً حس را ما تنها وسیله ادراک می‌دانیم، ادراک می‌تواند چیه تمثلی و تجربی فوق‌العاده وسیعی پیدا بکند، تا حد چیه تمثیم‌های ریاضی و ریاضیات عالیّه تمام اینها در سیستم ادراک انسانی برای معرفت وارد می‌شود نه فقط تجربه و محسوسات، اگر ما در حدود تجربه و محسوسات باقی بمانیم بااصطلاح حس‌گرا خواهیم شد. سئوالیسم خواهیم شد. که فقط حس را منبع معرفت می‌داند، منبع معرفت علاوه بر تجربه، تمثیم تمثلی هست تا حد تمثیم‌های فوق‌العاده تجربی ریاضی.

● سروش - ببخشید می‌توانم بیروسم چون به منطق ریاضی اشاره کردید، آنها بالاخره مادی هستند یا غیرمادی

● طبری - اینکه شما فرمودید که استدلال را فرموده بودید. من اول خواستم سئوالاتی را که آقای مصباح فرمودند جواب عرض کنم، چون سئوالات شما را یادداشت کردم سئوالاتی که شما فرمودید، بعد عرض میکنم. تصور میکنم دريك جلسه ما توانیم این کار را بکنیم، ممکن است که مثلاً این بحث راجع به دیالکتیک را مجبور بشویم دردو جلسه برگزار کنیم اگر شورا آنرا صلاح بداند.

● مجری - توضیحی که لازم به یادآوری است این بحث با همین موضوع ادامه خواهد یافت تا آنجایی که بهرجهت موضوعات کاملاً روشن بشود محدود به همین جلسه یا يك جلسه دیگر یا دوجلسه دیگر نیست.

● طبری - اگر اینطور باشد، دراین صورت می‌شود بحث را درآن جلود دوساعت نگه داشت، چون من پیرمرد هستم.

بحث آزاد: جهان بینی مادی

بقیه از صفحه ۶۳

وجود غیرمحدود است، به همین جهت آنچه که گفته می شود، نسبت در آن فوق العاده زیاد است، ممکن است مطالب تغییر بکند از زمانی که مارکس این مطالب را فرمول بندی کرده تا امروز بحث خیلی زیادی در مورد این فرمول بندی وجود دارد. نه فقط در نزد مائوئیستهای طرفدار مارکسیسم این بحث وجود دارد، در رشته های دیگر فلسفه هم وجود دارد. خوب بحث کردن و کوشش کردن برای غوررسی برای رفتن بیشتر به ژرفای مسائل این خاصیت خوبی است که انسان دارد. کجکاوای او را به این کار برمی انگیزد نیاز هم او را به این کار برمی انگیزد.

لذا اینها را بتوان اصول کلی عرضه میکند. آنچه که درباره تکامل فرمودند که درخت را از موقعی که از تخم میروید، به صورت یک درختی درمی آید خب قبول کنیم که تکامل است، ولی آن موقعی که شروع می کند به پرمش و از بین می رود و خوب خشک سوخته می شود، خاکستر می شود، آیا در اینجا تکامل انجام میگیرد؟ اینجا که یک جریان تنی رسید نه تکامل که ما گفتیم. درباره هرامر متفرد گفته نشده بلکه تکامل نوعی گفته شده تکامل در انواع است آنچه که ثابت هست تکامل در انواع زنده است که در روی کره زمین انجام گرفته که درباره آن هم تشکیکات زیادی وجود دارد که آقای دکتر سروش در کتاب خودشان مرقوم فرمودند عملی از افراد دانشمند هم هستند که بر اساس بیولوژی معاصر اصل تکامل را مورد تردید قرار می دهند حتی در انواع، اصل تکامل که از طرف داروین آمده، ولی ما این اصل تکامل را مارکسیستها قبول می کنند و آن را به مثابه یک اصل کلی برای جهان خودمان.

یعنی این سیاره ما که او را می شناسیم و در اینجا حیات پیدا شده و در اینجا حیات تکامل پیدا کرده والا حرکت دوری در بسیاری جاها دیده میشود مثلاً در ماه چه تکاملی هست، تکامل را یک مدتی طی کردن است و بعد میلیونها، میلیونها سالها میلیون سال هست که ماه پر همین شکل باقی مانده است یا خورشید چه تکاملی، حرکت دوری را طی میکند. پس به این ترتیب تکامل اعتلایی از ساده به پیچیده امری است که در روند حیات دیده میشود.

● مصباح - منظور از نوع آب خودش یک نوعی است یا نه؟

● طبری - انواع بیولوژیک را من عرض کردم، بیند آن چیزی که مولوی ما گفته اینجا مرتباً تذکر داده شده که ما خیلی زیاد استاد به فیلسوف نکنیم، برای اینکه ممکن است آن فیلسوف را منخ بکنیم یا استادات خودمان، ماهم بنویه

خودمان به مولوی از لثت ظریف همان آزادی که شما دارید. می گوید که:

از جمادی مردم و نامی شدم

مردم از حیوانی و لثم شدم

پس چه گویم چون زمرین کم شدم
باز دیگر از فلک پران شوم

● مصباح - خوب بالاخره جدایی را ایشان میگویند مردم و نامی شدم...

● طبری - یعنی مرگ را عبارت از یک وسیله گذاری دانسته که به یک مرحله عالیه تر، یعنی مسئله تکامل را به معنای اعتلاء و استکمال، به معنی مرکب شدن وجود، این را پذیرفته، و حتی پذیرفته که انسان نیز به یک انسان بالاتری مبدل میشود که برخی اصطلاح انسان خداگونه را بکار برده اند ما هم این را با محتوی خودمان قبول داریم، و انسان به جایی خواهد رسید

رسد آنجایی که به جایی که به جز خدا نیست

بنگر که تا چه حد است مقام انبیت،
با محتوای خودمان ما آن را قبول داریم. گفت:

قاضیانی که بنظر می تند

حکم بر احوال ظاهر می کنند
ما که باطن بین جمله کشوریم

قلب بینیم و به ظاهر ننگریم
اگر ما مسائل را به محتوایش مراجعه بکنیم می بینیم که مابین الیهون به خصوص الیهون پیرو خط امام و مارکسیستهای اصیل انقلابی که صدیق هستند، در درک مسائل انسانی و تکامل بشری و عدالت انسانی تفاوت ماهوی وجود ندارد. در صورتی که تفاوت بلحاظ ظاهر می تواند وجود داشته باشد.

● مصباح - انشاء الله امینولریم این اختلافاتی که در مسائل اصلی ایندولوژی و جهان بینی وجود دارد، انشاء الله با همین بحثها حل بشود - و من معذرت می خواهم که درین سؤال کردم اینها بر همان اصل بود که بنویس برای اینکه یک تسهیلی در بحث پیش بیاید این بود که من چنانچه اجازه نبرسم و خلاصه عرض بنده این بود که آیا در هر نوعی از انواع مادیات غیر از انواع زنده، شما معتقدید به این که تکامل هست یا مخصوص انواع زنده هست یا همان نظریه ترانسفورمیزم آیا این هست و آیا اینرا با روش علمی اثبات می کنید یا با روش دیالک تیک انشاء الله جلسه آینده راجع به این موضوع صحبت می کنیم.

● مجری - عذر می خواهم، آقای نگهبان توضیحاتی داشتند بفرمائید:

● نگهبان - این مسئله تکامل که فرمودید راجع به آن امر یعنی محدوده غیری حیات در مورد جملات ما البته همانطور که دوستان آقای طبری توضیح دادند ممکن است که یک میلیارد سال هم بگذرد یا چندین میلیارد سال هم بگذرد، یک حرکت دوری بینیم. ایشان توضیح دادند ولی وقتی که

مقیاس را از این هم باز و وسیعتر می کنیم و میل به بی نهایت می کنیم باز هم در اینجا می بینیم یک همچنین تحولی را که طی شده...

● مصباح - انشاء الله وقتی عمری بی نهایت پیدا کردیم البته.

● نگهبان - مثلاً راجع به تکوین همین منظومه شمسی نظریاتی که در اینجا هست، که می رود روی مسائل خیلی علمی وقتی که فکر کنیم برای استفاده از این وسیله ارتباط جمعی جالب زیاد نباشد ما وارد این محدوده بشویم. مثلاً آنی که آقای سروش کردند در مورد، اینکه خودیالک تیک محصول تجربه و از طریق تجربه بدست آمده این را باید باز ما برگردیم روی نحوه تکوین، اندیشه بشری تکامل اندیشه بشری و شناخت صحبت بکنیم که بحث مفصلی خواهد بود. انشاء الله اگر فرصتی باقی باشد در جلسات آینده توضیح می دهیم و امروز مثل اینکه به مقوله نسل و مسئله اساسی نرسیدیم مسئله محوری و اصلی بحث، من هم می خوانم در پایان بحث اظهار خوشبختی بکنم در شرایطی که چوچامه ما یک چوبساز پرتحرک و پرتحویلی هست در سال های اخیر و تناقضات و پیچیدگیهای بسیار زیادی در زندگی مردم ما و هم میهنانمان بوجود آمده و می آید، این بحثهای آزاد چنانچه با شرکت همه علاقمندان به سرنوشت مردمان صورت بگیرد، طبعاً نتیجه یازهم خیلی مفیدتری خواهد داشت یکبار دیگر خوشحالی خودم را از اینکه این جلسات تشکیل شده می خواهم ابراز کنم و تاسف خودم را از اینکه محدوده بحث برخی از نیروهایی که ما فکر می کنیم به سرنوشت کشور خودشان و میهن خودشان علاقهمند روی هم در برنگرفته و باید کوشش بکنیم که این بحثها دامنه وسیعتری را بپوشاند مثل اینکه در جلسات سیاسی و اقتصادی دامنه بحث نیروی بیشتری را دربر میگیرد. خیلی خوشحال شدم از اینکه این جلسه برگزار شد و آتمکاشی هم در جامعه ما حتماً تقاضا، تحمل و همفکری را در حل مشکلات مردم خواهد داد.

● سروش - یک توضیح کوچکی من عرض بکنم چون قرار شد سئوالات به نوبت بعد گذاشته بشود تا پاسخ تفصیلی اش روشن بشود فقط درباره سخنی که آقای نگهبان گفتند من اشاره کنم که سؤال از اینکه آیا تجربه پشتوانه دیالک تیک است یا جزو عتد دیالک تیک، یک سؤال تاریخی نبود. یعنی من نپرسیدم که، یعنی سؤال ناظر به این نیست بهر حال که چه شد که ما به دیالک تیک رسیدیم از کجا عبور کردیم این سؤال راجع به هرامر مقبول یا نامقبولی میشود کرد. اگر حتی، مثلاً فرض کنید مثلاً کنونی مردم، چاندوگری بود. باز هم میشود سؤال بکنیم که چه شد بشریت از چه کاتالانهای عبور کرد تا حال به چاندوگری رسید و دلش می خواهد همه امورات را مثلاً با چاندوگری جور بکند، یا فرض کنید که به فلسفه، به فلسفه ای که ممکن است مورد قبول ما هم نباشد مثلاً فلسفه ایدالیستی باز هم میشود درباره اش این سؤال کرد که از کاتالانهای بشریت عبور کرد تا معتقد به فلسفه ایدالیستی شد این یک جور بحث است، اما سؤال

بقیه در صفحه ۸۲



● بحث آزاد

بقیه از صفحه ۷:۴

xalvat.com

ماناظر به این بود که ما چرا قبول داریم متد دیالک تیک را این چرا، یک چرای منطقی است نه یک چرای تاریخی. چرا می‌پذیریم متد دیالک تیک را، والا رشد تاریخی، سیرتاریخی هراتدیشه‌ای را میشود مشخص کرد صرف نظر از اینکه آن نظریه که الان با یک مسیر تاریخی به مارسیده، مورد قبول ما هست یا مورد قبول ما نیست. دلیل مقبولیتش مورد نظر ما بود. و چون برای مقبولیت و مشروعیت آن به تجربه استناد شد من آن سؤال را کردم. بهر حال من هم خوشبختم از این بحث و همچنان که انتظار می‌رفت در یک محیط بسیار تفاهم آموز و امیدوارم سودمند و متمر و راه گشا و مسئله آفرین صورت گرفت. که خوب طریق رشد اندیشه بشری بوده است تاریخا و امیدواریم که آینده این بحث حتی سودمندتر از این و راه گشاستر باشد و به یمن انفاس قدسیه پاکان و نیکان مستظهریم و از آیات خداوندی هم کمک می‌طلبیم و این فرصت میمون و مفتنم را آرزو می‌کنیم که بیش از این تکرار بشود و ثمرات شیرین‌تر و مطبوع‌تر و مفیدی‌تری داشته باشد به امید خداوند تائوبت آینده.

● مجری - باتشکر از همه شرکت کنندگان با آرزوی اینکه دیگر افراد گروهها نیز در این مباحث شرکت کنند. تا روند عقیدتی جامعه رشد پیدا کند و بتوانند به یک تفاهم از لحاظ عقیدتی برسند، با تشکر از بینندگان عزیز فکر می‌کنم نیازی به جمع بندی مطلب باشد. احتمالا به صورت مقدمه‌ای شاید بتوانیم بگوئیم برای اجرای جلسات دیگری با محتوای غنی‌تری بوده باشد با تشکر از بینندگان.

ادامه دارد